

- شیشلیک**
- کارگردان:**محمدحسین مهدویان
- نویسنده:**امیرمهدی ژوله
- بازیگران:**رضا عطاران، پژمان جمشیدی، ژاله صامتی، وحید رهبانی، مه لقا باقری، عباس جمشیدی فرو جمشید هاشم پور
- خلاصه داستان:**بکی از اهالی شهرکی در حاشیه تهران، تحت تأثیر شرایط خاصی که از سوی رئیس کارخانه‌ای برایش رقم خورده است، طغیان کرده، در جست‌وجوی رهایی خانواده‌اش برمی‌آید.
- سینماهای نمایش دهنده:**آفریقا ساعت ۱۸، تیرازه ۲ (۱-۲) ساعت ۱۲، سروش (۱-۲) ساعت ۱۵، کوروش (فارس، مایاک، نادر) ساعت ۱۲، قدس ساعت ۱۸، نارسیس (۱-۲) ساعت ۱۵، فجر اسلامشهر ساعت ۱۸

- زالاوا**
- کارگردان:**ارسلان امیری
- نویسندگان:**ارسلان امیری و آیدا پناهنده
- بازیگران:**هدی زین العابدین، نوید پورفرج، پوریا رحیمی سام، شاهو رستمی، باسط رضایی و فریدون حامدی
- خلاصه داستان:**زالاوايي‌ها ترسیده‌اند، ناامیدانه از استوار، رئیس پاسگاه و مردی به نام آمردان کمک می‌خواهند تا شرایط روستایشان را بهبودبخشند.
- سینماهای نمایش دهنده:**استقلال ساعت ۱۲، تیرازه ۲ (۱-۲) ساعت ۱۵، سروش (۱-۲) ساعت ۱۸، کوروش (فارس، مایاک، نادر) ساعت ۱۵، کیان (۱) ساعت ۱۲، نارسیس (۱-۲) ساعت ۱۸، فجر اسلامشهر ساعت ۱۵

- مصلحت**
- نویسنده و کارگردان:**حسین دارایی
- بازیگران:**فرهاد قائمیان، وحید رهبانی، مهدی حسینی نیا، مجید نوروزی، امیر نوروزی و نازنین فراهانی
- خلاصه داستان:**فرزند یکی از مقامات بلندپایه قضایی در سال ۱۳۵۹، ناخواسته در یک درگیری خیابانی، جوانی را به قتل می‌رساند.
- سینماهای نمایش دهنده:**آزادی ساعت ۱۲، استقلال ساعت ۱۵، تیرازه ۲ (۱-۲) ساعت ۱۸، شکوفه (۱) ساعت ۱۲، کوروش (فارس، مایاک، نادر) ساعت ۱۸، کیان (۱) ساعت ۱۵، فرهنگ رباط کریم ساعت ۱۸

- تک تیرانداز**
- نویسنده و کارگردان:**علی غفاری
- بازیگران:**کامبیز دبیراز، علیرضا کمالی، امیررضا دلآوری، عبدالرضا نصاری، حسین پوریده، حسین شریفی، اسماعیل خلیج، انوش معظمی وعبیدالحلیم تقلی
- خلاصه داستان:**تک تیرانداز ایرانی تبدیل به کابوسی مرگبار برای افسران و فرماندهان ارتش بعضی شده. تا جایی که صدام شخصا جایزه‌ای برای سروا تعیین می‌کند.

سینماهای نمایش دهنده:آزادی ساعت ۱۵، استقلال ساعت ۱۸، جوان (۱) ساعت ۱۲، چارسو (۱-۴) ساعت ۱۱:۳۰، شکوفه (۱) ساعت ۱۵، کیان (۱) ساعت ۱۸، هروی سنتر (۱) ساعت ۱۲، فرهنگ رباط کریم ساعت ۱۵

- رماتیسیم عمادوطبا**
- نویسنده و کارگردان:**کاوه صباغ زاده
- بازیگران:**حسام محمودی، الناز حبیبی، علی انصاریان، مرتضی علی عباس میرزایی، ستایش تارانی، سانیا رضائی و سام ولی پور
- خلاصه داستان:**وقتی سرنوشت برای اولین بار عماد و طوبا را روبه روی هم قرار داد هر دو خوب می‌دانستند که عشق بیشتر یک مهارت است، تا هیجان و تپش قلب و خارش پوست.
- سینماهای نمایش دهنده:**آزادی ساعت ۱۸، پردیس ایران مال (۸-۱-۲) ساعت ۱۵، جوان (۱) ساعت ۱۵، چارسو (۱-۴) ساعت ۱۴:۳۰، شکوفه (۱) ساعت ۱۸، ماندانا (۱) ساعت ۱۲، هروی سنتر (۱) ساعت ۱۵، صبا مال (۱-۲) ساعت ۱۸

- یدو**
- کارگردان:**مهدی جعفری
- نویسنده:**مهدی جعفری و مهین عباس‌زاده
- بازیگران:**ستاره پسیانی، میلاد صویلوی، محمدمهدی آل بوعلی، ریحانه آریامنش، اکبر اودود، رضا نوری، سعید آل بوعبادی و آرمان آسایش
- خلاصه داستان:**در زمان محاصره آبادان، پسر نوجوان یک خانواده تصمیم می‌گیرد تا مادر، خواهر و برادر کوچکتر خود را از شهر خارج کند و خود برای دفاع به دیگر رزمندگان ملحق شود.
- سینماهای نمایش دهنده:**آزادی (شهر فرنگ، شهر قصه) ساعت ۱۱:۳۰، پردیس ایران مال (۸-۱-۲) ساعت ۱۵، جوان (۱) ساعت ۱۸، چارسو (۱-۴) ساعت ۱۲، فرهنگ (۱) ساعت ۱۲، ماندانا (۱) ساعت ۱۵، هروی سنتر (۱) ساعت ۱۸، صبا مال (۱-۲) ساعت ۱۵

- تی تی**
- کارگردان:**آیدا پناهنده
- نویسندگان:**آیدا پناهنده و ارسلان امیری
- بازیگران:**الناز شاکردوست، پارسا پیروزپور و هوتن شکبیا
- خلاصه داستان:**ابراهیم، استاد فیزیک دانشگاه در آستانه مرگ با زنی روستایی آشنا

می‌شود به‌طوری‌که، زندگی و مرگ ابراهیم را از نو معنا می‌کند.

- سینماهای نمایش دهنده:**آزادی (شهر فرنگ، شهر قصه) ساعت ۱۴:۳۰، پردیس ایران مال (۸-۱-۲) ساعت ۱۸، پایتخت (۱) ساعت ۱۲، راگا (۱) ساعت ۱۲، فرهنگ (۱) ساعت ۱۵، ماندانا ساعت ۱۸، چارسو (۵-۶) ساعت ۱۲، کارون (۱) ساعت ۱۸

- گنج‌گاه**
- کارگردان:**عادل تبریزی
- نویسنده:**ارسلان امیری و عادل تبریزی
- بازیگران:**جمشید هاشم‌پور، حامد بهداد، باران کوثری، سروش صحت، فرهاد آئیش، بهرنگ علوی، امیرحسین رستمی، بیژن بنفشه‌خواه، نادر سلیمانی، محمد الهی، مریم همتیان، ایمان اسماعیل‌پور، حسن رضایی و رضا صفایی
- خلاصه داستان:**مهتاب به همراه پسر ۱۰ساله‌اش زندگی می‌کند. آشنایی آن‌ها با حسن خشتود مسیر زندگی‌شان را عوض می‌کند.
- سینماهای نمایش دهنده:**آزادی (شهر فرنگ، شهر قصه) ساعت ۱۷:۳۰، پردیس ایران مال (۷-۳-۴) ساعت ۱۱:۳۰، پایتخت (۱) ساعت ۱۵، چارسو (۵-۶) ساعت ۱۵، راگا (۱) ساعت ۱۵، فرهنگ (۱) ساعت ۱۸، پردیس مگامال (۴-۳-۱-۲) ساعت ۱۲، کارون (۱) ساعت ۱۵

- برای ساخت «کودتای ۵۳» احتمالا به ساختارهای مختلفی فکر کردید. چطور به این ایده رسیدید که فیلم شرح جست‌وجو و تلاش برای کشف حقیقت باشد و شخصیت اصلی این جست‌وجویک فیلمساز.**

در ۱۰ سالی که مشغول کلنجار رفتن با تحقیق و مشکلات ساخت بودیم، شکل فیلم دائم تغییر می‌کرد. ایده اولیه فیلم داستانی بود، قرار بود داستان ۲۸ مرداد را در قالب فیلم سینمایی روایت کنیم. فیلم داستانی هم نیاز به تحقیق داشت و باید با شاهدان مصاحبه می‌کردیم. در مصاحبه‌ای که با موسی مهران بادپگار و مسئول امنیت دکتر مصدق داشتم آنقدر تمام وقایع را از حضور ارادل و اوپاش و شعبان و آنچه‌هایش تا ماجرای خانه دکتر مصدق با جزئیات ظریف روایت کرد که قدرت نقل خاطره‌شان من را تحت تأثیر قرار داد. به خودم گفتم چه مرضی است، هنرپیشه بگیري جای این آقا صحبت کن! همان‌جا ایده ساخت فیلم داستانی به مستند تغییر کرد. آن زمان قرار نبود به عنوان محقق کارآگاه در فیلم باشم. اصلا قرار نبود فیلم شکل کارآگاهی بگیرد. همه این‌ها در طول کار مشخص شد. صحنه‌ای که آقای مالکوم برن، قفسه پایگانی را بیرون می‌کشد و مدارک و اسناد مربوط به دخالت امریکا در کودتا را نشان می‌دهد، تکان دهنده بود. گفتم باور می‌کنید تمام تاریخ من؛ ایران، در میان این کاغذهاست. والتر مرچ با دیدن این صحنه نگاهی به من انداخت و گفت تقی خودت باید در این فیلم باشی، حسی که به این صحنه داری واقعی است، برای همین لحظه است. این فیلم نمی‌تواند راوی کل داشته باشد، نمی‌توانی از دید بالا نریشن بنویسی و یک نفر با گفتار منظور را به مخاطب برساند. ۲۸ مرداد هنوز سوزۀ داغی است، اخبار و اطلاعات ضد و نقیض بسیار دارد و موافقان و مخالفانش هم زیاد است. مردم می‌خواهند بدانند چه کسی و از چه جناحی این داستان را می‌گوید به همین خاطر باید در فیلم باشی. گفتم هر چه شما بگویي. استاد من است و خدای سینما و تدوین. چطور می‌توانستم به پیشنهاد او نه بگویم!

- مسیری که برای یافتن نورمن داربی شر به عنوان برگ برنده طی می‌کنید، همان مسیری است که در واقعیت طی کردید یا واقعیت اندکی دراماتیزه شده است؟**

کشف متن مصاحبه آقای داربی شر دقیقه ۹۰ اتفاق افتاد. سال ۸۸ تصمیم به ساخت این فیلم گرفتم و سال ۹۷-۹۶ داربی شر پیدا کردیم. هر چه در فیلم می‌بینید برای همان لحظه است. حتی لحظه‌ای که پاکت پرورنده‌ها را از پاریس به لندن می‌آورم و در تک‌تک مدارک غوری‌می‌کنم برای همان لحظه است. زنده است. وقتی مقاله روزنامه آبرور دربارۀ کودتا را پیدا می‌کنم و با هیجان به اتاق والتر می‌پرَم، برای همان لحظه بود. با آیفون تمام این صحنه‌ها را گرفتم. (گوشی‌اش را بالا می‌گیرد) ۳۰ درصد فیلم‌با همین دوربین گرفته شد.

- بارسقیان: ما مایتنی از قبل آماده شده مواجه نیستیم. کشف و شهودی است که شما بیننده را در فرآیند آن دخیل می‌کنید. مخاطب را با به پای خودتان می‌آورید و در سورپرایزهایتان شریک می‌کنید. همین ویژگی از نقاط قوت فیلم است. یک سؤال طی این مدت ذهن من را خیلی درگیر کرده و آن اینکه اگر داربی شر پیدا نمی‌شد سرنوشت این فیلم چه بود؟ برای من مخاطب لحظه‌ای که داربی شر را شکار می‌کنید تازه داستان شروع می‌شود. مثل آدمی که برای شکار رفته و تا شکار نکند میز شام چیده نمی‌شود. برای من «کودتای ۵۳» بعد از این شکار شروع می‌شود. به روایت‌های فرعی وارد نمی‌شوید، حرف‌های کلیشه‌ای و پرکنکار راجع به انحلال مجلس و بی‌عملی حزب توده در روز کودتا، در کنار می‌گذارید. یک شکار اصلی دارید که رهایش نمی‌کنید. تا نه ماجرا هم می‌روید. اگر این شکار نبود ما باید همان نان و ماست همایان را می‌خوردیم.**

در طول ۳۰ سال مستندسازی تلویزیون هیچ وقت فیلمنامه و متن آماده شده نداشتیم. خودم را پرت کرده‌ام وسط داستان و تحقیق و مصاحبه. همیشه دوست دارم با حسن کار کنم نه با فکر. هدف اصلی روایت داستان کودتای ۲۸ مرداد بود. راجع به این ماجرا بارها گفته شده، کتاب و مقاله نوشته شده. مورخان مدارک تحقیقی ارائه داده‌اند. تو قرار است چه کار کنی؟ باید یک دلیل برای ساخت این مستند داشته باشی. به عنوان کسی که یک پایت این ور آب است و یک پایت آن ور آب و دیدگاهت هم ایرانی است و هم انگلیسی آمریکایی (۴۵ سال است ایران نیستم) باید از دو طرف پل به این داستان نگاه کنی. مساله بعدی این بود که می‌خواستم در حد امکان تمام شاهدهای ایرانی با فارسی و زبان خودشان داستان‌شان را بگویند. سعی کردم کسانی را پیدا کنم که تا به حال صحبت نکرده بودند. در فیلم‌های قبلی نبودند. مدارکی پیدا کردم که تا به حال دیده نشده است. البته این فیلم حرف آخر راجع به کودتا نیست. اطمینان دارم اسنادی هست که هنوز هم دیده نشده، ممکن است در گنجینه‌های شخصی در سراسر دنیا نمونه‌ای از این مدارک باشد. مستندسازی با این نگاه ریسک است. به قول شما اگر داربی شر را پیدا

- دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۹۹**
- سال بیست و هفتم**
- شماره ۷۵۶۲**

- http://irannewspaper.ir**
- editorial@irannewspaper.ir**

ترگس عاشوری خبرنگار

تقی امیرانی، مستندساز ایرانی حین تحقیق برای ساخت مستندی درباره کودتا ۲۸ مرداد به اسناد و مدارکی دست می‌یابد که بسیاری از زوایای تاریخ ۶۷ ساله این رویداد را روشن می‌کند. «کودتای ۵۳» روایت تلاش‌های جست‌وجوگرانه او برای کشف همین حقیقت است. چگونگی رسیدن امیرانی به حقیقت با قدرت داستانگویی و بیان درست سینمایی، آنقدر پیرکش روایت شده است که تبدیل به یک ترنلر معمایی می‌شود. همکاری سینماگران برجسته‌ای چون والتر مرچ (ایک آخرالزمان، سه‌گانه پدرخوانده، بیمار انگلیسی و... در مقام تدوینگر و رالف فاینز (فهرست سیندلر) به عنوان بازیگر از دیگر نکات قابل توجه «کودتای ۵۳» است. این مستند که جزو پربازدیدترین آثار چهاردهمین جشنواره سینما حقیقت بود و عنوان بهترین مستند از نگاه تماشاگران را هم کسب کرد در کنار ۲ مستند دیگر به سی و نهمین جشنواره فیلم فجر راه یافته است. به همین بهانه به همراه سرگه بارسقیان روزنامه‌نگار در حوزه تاریخ معاصر با تقی امیرانی درباره «کودتای ۵۳» صحبت کرده‌ایم؛ مستندی که بی‌شک از اغلب فیلم‌های داستانی این دوره دیدنی‌تر است.



تقی امیرانی در گفت‌وگو با «ایران» از «کودتای ۵۳» گفته است

از حقیقت بت می‌سازم، نه از م

تاریخ‌نگاری کودتا چیزی اضافه کرده است. این به بعد اگر کسی بخواهد راجع به کودتای ۲۸ مرداد مطلبی منتشر کند ناگزیر است از این که مستند «کودتای ۵۳» را ببیند و بباید. با کشف داربی شر دپای شما در تاریخ‌نگاری کودتای ۲۸ مرداد ثبت شد. با این شاخصه «کودتای ۵۳» از فیلم مستند فراتر می‌رود و سند تاریخی محسوب می‌شود. در آینده در فایل آرشیو آدم‌هایی مثل مالکوم برن یک نسخه از فیلم شما هم خواهد بود. بدون دانستن نقش داربی شر حرف زدن درباره

فاینز را آماده می‌کنید ما دوربین پشت صحنه و آدم‌هایش را هم می‌بینیم. زیربنای ماجرای ۲۸ مرداد یک راز سروپشیده است. وقتی فیلم می‌سازی هر چه شفاف‌تر و واضح‌تر کار کنی بهتر است. هر چه مرزا را برداری، هر در و دیواری را بشکنی حتی این دیوار چهارم را (دوربین)، وارد پشت صحنه شوی و لحظه‌ای را خارج از مرز مخاطب حس کنی، این فضا را بهتر می‌سازی که مخاطب حس کند واقعا همراه شماست. هر چه می‌بیند همان است. نشان می‌دهد چقدر

کسانی که به خیابان آمدند و شهید شدند. این سخنرانی روی من تأثیر گذاشت و برای همین روی فضای فیلم نشست تا ابعاد احساساتی آن دوره را هم به مخاطب منتقل کند. **■ اسناد و مدارکی که از زیرزمین خانه‌ای در پاریس به دست می‌آوردی سرخنی می‌شود برای تکمیل پازل کودتا. چقدر امیدوارید چنین فیلم‌هایی روح جست‌وجوگر و حقیقت‌جوی نسل جوان را ترغیب کند تا پیگیر این دست‌سرخ‌ها و اسناد باشند. بخصوص جوانانی که شاید از هیچ نهاد و ارگانی این حمایت و پشتیبانی را برای کشف حقیقت نداشته باشند.**

من هم همین ناخفای نیستم. کسی هم از فیلم ما حمایت نکرد. تمام ارگان‌های رسمی که اینجا از مستندسازان حمایت می‌کنند در تأمین سرمایه به ما کمک نکردند. مجبور شدیم از کمک مالی افراد شخصی استفاده کنیم. این بودجه هم دائمی نبود. پروژه خوابید اما همکاران عزیزم حس را نخواهد داشت. برای همین همیشه سعی می‌کنم فیلم‌هایم بدون تحقیق شروع شود اگر بخواهم با کسی مصاحبه کنم اولین دیدار یک وعده‌چای است و قرار گذاشتن برای مصاحبه. این طور نیست که هر چه دارد و ندارد را همان موقع جویا شوم. برای من باز می‌کنی می‌بینی این خورشت بوی خیلی خوبی دارد درش را می‌گذاری و می‌روی. با وجود همین علاقه به تعبیر خودتان دو آتشه برای مصاحبه. این طور نیست که پله پله از یک مغربز سوار شوید. به جز مصاحبه‌های مصدق درباره شهدای ۳۰ تیر و خلوت شما در زمان شنیدن این سخنرانی کمتر با چنین صحنه‌های احساسی روبه‌رو هستیم. خیلی مهم است که فیلمساز به هوش، احساس و فکر مخاطب احترام بگذارد. نباید مخاطب را دست کم بگیرد. مخاطب خیلی باهوش است. اگر فکر کند چیزی را تحمیل می‌کنید ممکن است حرفت را قبول نکند و با فیلم رابطه خوبی برقرار نکند. برای من مهم بود که ۹۹ درصد فیلم بر مبنای اسناد و مدارک و حقیقت و واقعیت شکل بگیرد. پشت هر دقیقه‌ای این فیلم یک مدرک است. چه مدرک صوتی چه مکتوب. من یک ترغیب و تا نه داستان می‌آورید. این کنجکاوی ایجاد می‌شود که لابد ممکن است ویدئوها و عکس‌ها و اسناد دیگری هم باشد. ضمن این که فیلم شما پشت صحنه ندارد. صحنه‌های پشت و پس‌اش یکی است. حتی وقتی رالف

شفاف کار می‌کنید و شهیدبازی فیلمسازی در کار نیست. چون موتناز و تدوین خیلی کارها می‌تواند بکند. سیاه را سفید کند و شب را روز. مهم بود فیلمی که اصرا به افشا دارد ساختار خودش را هم نشان دهد. **■ بارسقیان:** این فیلم تاریخ‌نگاری کودتا را متحول کرد. چهره آمریکایی کودتایعنی کرمیت روزولت مشخص‌بود اما چهره انگلیسی نداشتیم. مدرک رسمی از مداخله انگلیس وجود نداشت. با این نگاه «کودتای ۵۳» فقط راوی نیست. کاشف است. به

کودتا ناقص خواهد بود. شما داستان کودتا را یک قدم جلوتر برده‌اید و این به تنهایی از تمام جوایز و دستاوردهای فیلمسازی فراتر رفته‌است.

قصه کودتا در طول این ۶۷ سال به عنوان کودتای روزولت و CIA مطرح بود. البته ایرانی‌ها می‌دانستند که انگلیس هم نقش داشته و کودتا کاملا انگلیسی است اما اینکه به وضوح مشخص شود شخص و گرداننده اصلی کودتا ما مور انگلیسی بوده در هیچ جا منتشر نشده است. وقتی انگلیسی‌ها